روزنامه شرق

یکشنبه ۱۹ دی ۱۴۰۰ • ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ • ۹ ژانویه ۲۰۲۲

سال نوزدهم • شماره ۴۱۹۰ • ۱۲ صفحه • ۷۰۰۰ تومان

سخنگوی شورای نگهبان:

استعفای آیت‌الله جنتی شایعه است

گروه سیاست: سخنگوی شورای نگهبان در پاسخ به پرسشی درباره استعفای آیت‌الله جنتی گفت: تغییری در شورای نگهبان مطرح نیست و این شایعات غلط است. هادی طحان‌نظیف در نشست خبری خود با عرض تسلیت شهادت حضرت زهرا(س)...

صفحه ۲

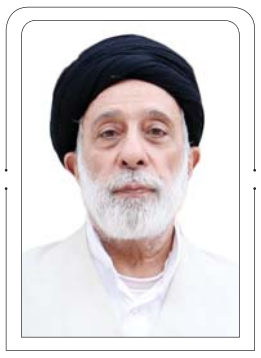

هادی خامنه‌ای:

«جهل عمومی» سرچشمه همه فسادهاست

گروه سیاست: حجت‌الاسلام سیدهادی خامنه‌ای در دارالزهرا(س) گفت: امروز بعد از سالیانی ما هنوز کارتن‌خواب داریم و اخیرا خبر می‌دادند که بعضی‌ها چون حتی کارتن هم پیدا نمی‌کنند، مجبور هستند شب‌ها در اتوبوس‌ها بخوابند...

صفحه ۳

در پی گزارش «شرق» درباره بودجه دانشگاه‌های علوم‌پزشکی کشور

واکنش برنامه‌وبودجه به گزارش «شرق»

صفحه ۵

رحمانی‌فر پدر یکی از قربانیان سانحه هواپیمای اوکراینی در گفت‌وگو با «شرق»

می‌خواهیم که حقیقت قربانی مصلحت نشود

عکس: محمدرضا عباسی‌مهر

صفحه ۹

تیترها

اتهامات عجیب

آیا حسن روحانی صنعت فضایی و هسته‌ای را تعطیل کرده بود؟

صفحه ۲

اطلاعیه اداره کل زندان‌های تهران در پی درگذشت بکتاش آبتین

صفحه ۳

زنان؛ خطر بزرگ‌تر!

صفحه ۱۱

۵ تحول مهم سیاست خارجی در سال ۲۰۲۲

صفحه ۸

دوگانه نقد و حمایت از تیم مذاکره‌کننده

در گفت‌وگو با ۳ کارشناس مسائل بین‌الملل بررسی شد

صفحه ۴

خروجی جلسات میلیاردی مجلس: «مردم تحمل کنند»

صفحه ۳

سرمقاله

«چگونه می‌اندیشیم؟»

شورای عالی انقلاب فرهنگی ۲

کیومرث اشتریان

مسئله اصلی «تضعیف هنجار و فرهنگ» در زندگی اجتماعی و در «متغیرهای اساسی فرهنگ» است. این متغیرها می‌تواند شامل اموری همچون معنویت، عدالت، کار و ثروت، مشارکت، آزادی، نوآوری و... باشد. تفاوت اساسی در فرهنگی‌بودن یا فرهنگی‌نبودن، «عمل به غریزه» است. مسئله اصلی ما فلان سازمان و فلان شورا یا اعضای محترم چنین شوراهایی نیست. «فرهنگ فعالیت‌های علمی»، «فرهنگ کار و ثروت»، « فرهنگ مشارکت اجتماعی»، « فرهنگ نوآوری» «فرهنگ آزادی» و... در جامعه ما در معرض اختلال هویتی است. گویی فرهنگ، نظریه فرهنگی و سرزندگی فرهنگی به فراموشی سپرده شده و جامعه ما توانایی هنجارسازی عرفی در این حوزه‌ها را از دست داده است. در پاسخ به پرسش اصلی این سلسله‌نوشتارها، یعنی پرسش «چگونه می‌اندیشیم؟»، باید بگوییم در این حوزه گویی اصلا نمی‌اندیشیم! اجتماعات انسانی برای ادامه حیات خود نیازمند معنای زندگی‌اند که از آن به فرهنگ یاد می‌کنیم. نیازمند تفکر، تأمل، بحث، گفت‌وگو و هنجارسازی فرهنگی‌اند تا بتوانند از غریزه گذر کرده و فرهیختگی پیشه کنند. جامعه ما از این لحاظ تحلیل رفته است؛ گاه اندک و گاه بسیار. روز به روز شمار گسترده‌تری از افراد برای زندگی اجتماعی خود از غریزه کمک می‌گیرند نه از ارزش‌های فرهنگی برآمده از دین یا از گفت‌وگوهای اجتماعی میان نخبگان، خبرگان و مردمان. باید گریزان بود از اینکه افراد اصول زندگی خویش را از غریزه برگیرند. انسان اجتماعی از تعاملات مدنی بهره می‌گیرد. فرد باید یا از چشمه معرفت دینی سیراب شود یا بر سر سفره مدنیت بزرگ شده و پرورش یابد؛ در غیر این صورت، درد «بی‌هنجاری فرهنگی» یا «اختلال هویت فرهنگی»، درد بی‌درمانی می‌شود. مردمان آنگاه که غرق در حیرت خویش و سرگشته در هویت‌اند، به غریزه پناه می‌برند؛ چون درکی از مؤلفه‌های فرهنگی فعالیت‌های اجتماعی خویش ندارند. کار نهادهای کلان سیاست‌گذار فرهنگی، همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی، پرداختن به «فرهنگ متغیرهای اساسی» در زندگی اجتماعی است؛ یعنی پرداختن به فرهنگِ فرهنگِ کار، علم، ثروت، عدالت، آزادی، سیاست‌ورزی و... و نه تمرکز بر آیین‌نامه‌های حقوق اداری. در این زمانه، حقوق اداری، خود، دچار بحران هویت شده است و بر اثر تحول پدیده دولت در ۴۰ سال اخیر، متفکران از بی‌اعتباری آن سخن به استواری رانده‌اند. اگر حقوق اداری در سطوح پایین «اداره» کم‌اعتبار شده است، در سطوح بالای سیاست‌گذاری آیا محلی از عنایت برایش باقی می‌ماند؟ و آیا سزاست که شورای عالی انقلاب فرهنگی سرنوشت کلان فرهنگ را به «مقررات خُرد» و «کارمندان جزء» بسپارد؟ شایسته است که «مسئله‌شناسی» سیاست فرهنگی در ایران را با ذکر نمونه‌ای از جامعه‌ای که دچار درد «بی‌هنجاری فرهنگی» است، اندکی بسط دهم:

- در جامعه‌ای که دچار درد «بی‌هنجاری فرهنگی» و اختلال هویت فرهنگی است، ممکن است یک استاد دانشگاه را سرگشته ببینید که درک فرهنگی از فعالیت‌های علمی خود ندارد؛ جوهره، معنا و ارزش ذاتی علم و فعالیت علمی، تفکیک آن از فعالیت اقتصادی، فرهنگ همکاری علمی، انگیزه نوآوری و اموری از این دست برای او روشن نیست. در یک کلام، فعالیت علمی دارد اما درک فرهنگی از کار خود ندارد. از همین‌رو ممکن است خود را با یک فروشنده دوره‌گرد، یک سبزی‌فروش یا یک قصاب مقایسه کند و درآمد خود را با او بسنجد.

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

در سوگ بکتاش آبتین

شیما بهره‌مند . دبیر فرهنگ

در میان انبوه قوانین کیفری و جزایی و آیین دادرسی ایران، کم نیستند قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌هایی که به‌صراحت بر حقوق بیماران زندانی و حق حیاتِ زندانیان تأکید دارند. از اصل ۱۲ و ۲۹ قانون اساسی تا دست‌کم بیست ماده مصرح در آیین‌نامه اجرائی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، حقوق سلامت و حق بر درمان زندانیان صرف‌نظر از جرم و میزان مجازات مدنظر قرار گرفته است. بگذریم که حق حیات و سلامتِ زندانیان در تمام ادوار و در حقوق مشترک جهانی و متون مبنایی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین مطرح شده و به قدر کفایت معتبر است. اینک که بکتاش آبتین، شاعر و فیلم‌ساز ایرانی و یکی از اعضای کانون نویسندگان ایران به دلیل اهمال و کوتاهی در درمان او، به مرگی تلخ با ابتلا به کرونا از میان ما رفته است، مجالی برای فهرست‌کردن قوانین و مقررات مربوط به حقوق زندانیان بیمار نیست که در تمام این چند ماه ابتلای نویسندگان زندانی، بکتاش آبتین و رضا خندان‌مهابادی به کرونا، این مقررات بارها تکرار شد و نهاد مسئول، سازمان زندان‌ها و دستگاه قضا مورد خطاب قرار گرفتند تا فقدانِ دیگری رخ ندهد که داد. ضرورت درمان عاجلِ بکتاشِ آبتین با سابقه بیماری و پرونده پزشکی و دو بار ابتلا به کرونا در شرایط پاندمی در زندانی که به گواه خود مسئولان از زیرساخت‌های لازم برای درمان دست‌کم بیماری کرونا که در هر جهش به گونه‌ای دیگر بروز می‌کند، برخوردار نیست، بر کسی پوشیده نیست.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

پروپاگاندا درمانی

مهسا جزینی
دبیر گروه سیاسی

مؤثرترین راه ارزیابی عملکرد یک دولت و بهترین شاقول برای مقایسه با دولت‌های قبل، بررسی عملکرد آن است. دولت روحانی با همه نقاط ضعف یا قوتش، رفته و عمر دولت فعلی هم به یک سال نرسیده است. گرچه در همین مدت هم می‌توان تصمیمات گرفته‌شده را ارزیابی کرد، اما برای مقایسه، نیاز به پیش‌شرط دیگری نیز هست به نام انصاف. انصاف حکم می‌کند اجازه دهیم حداقل یک سال از عمر این دولت طی شود. این پیش‌شرط برای همه ضروری است؛ منتقد و مدعی فرقی نمی‌کند. کاش حامیان رئیسی اجازه می‌دادند به جای پروپاگاندای لفاظی، عملکردها سخن بگویند. پیش‌نیاز آن البته کمی خویشتن‌داری، صبوری و سکوت است؛ چراکه در غیر این صورت این تصور پیش می‌آید که نکند چیزی در چنته نیست یا موانع آن‌قدر عظیم‌اند که کاری از کسی ساخته نیست. در میان حامیان، آنها که راه هشدار به دولت را در پیش گرفته یا در تعریف و تمجید به دوری از غلو و بیشینه‌کردن انتظارات توصیه می‌کنند، قطعا از آنها که همچنان در پی مقایسه دو دولت به شیوه لفاظی‌اند، راهی منطقی‌تر طی می‌کنند. آنها نسبت به کسانی که دولت قبل را متهم به تنبلی، پیری و سستی می‌کردند و حالا می‌گویند «رخوت و رکودی که در گذشته در کشور سایه افکنده بود با تحرک، پویایی و تلاش در حال جبران است...» دوراندیش‌تر و عاقل‌تر هستند.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

یارانه بنزین، به نام چه کسی؟ به کام چه کسی؟

نعمت‌الله اکبری*

در تحلیل‌های یارانه بنزین، موضوعی که همواره مغفول واقع شده، این است که قیمت بنزین را منفک از قیمت خودرو در ایران ارزیابی می‌کنند؛ درصورتی‌که یارانه بنزین باید در کنار کالای مکملی به نام خودرو مورد توجه قرار گیرد؛ به‌خصوص وقتی عرضه‌کننده هر دو کالا (بنزین و خودرو) یک نهاد به نام دولت است. بنابراین اگر بنزین و قیمت آن جدای از قیمت خودرو مورد ارزیابی قرار گیرد، طبعا نتیجه آن همان نتایج مرسوم است که بنزین در ایران بسیار ارزان است. ارزان‌بودن بنزین زمانی معنی می‌یابد که به صورت نسبی و در کنار قیمت خودرو مورد توجه قرار گیرد. این روزها طرح واردات خودرو بین مجلس و شورای نگهبان در رفت‌وآمد است. سیاست‌گذاری واردات خودرو در ایران موضوع تازه‌ای نیست و در چهار دهه گذشته فراز و نشیب‌های بسیاری داشته است. اولین شرکت خودروسازی ایرانی در سال ۱۳۴۱ (۱۹۶۲ میلادی) را برادران خیامی تأسیس کردند که در سال ۱۳۴۵ اولین خودروی خود با نام پیکان را تحت برند ایران‌ناسیونال روانه بازار کرد و پس از آن شرکت‌های سیتروئن، رنو، فورد و... نیز دست به تولید خودرو در ایران زدند. از سال ۱۳۴۱ تولید خودروی ایرانی به‌منظور سیاست جایگزینی واردات، با تولید پیکان آغاز شد و تا امروز شاهد سیاست‌های گوناگون و گاه متناقض درخصوص صنعت خودرو بوده‌ایم. مقایسه تولید خودرو در ایران با کره‌جنوبی به لحاظ هم‌زمانی این صنعت در دو کشور و اتخاذ سیاست جایگزینی واردات در هر دو کشور، شایان توجه است؛ چراکه در حال حاضر عمده خریداران خودروی ایرانی، مشتریان داخلی هستند که سیاست‌های گمرگی شدید عملا امکان قدرت خرید خودروی خارجی را به آنها نمی‌دهد؛ درحالی‌که صنعت خودروسازی کره‌جنوبی که هم‌زمان با صنعت خودروسازی در ایران در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی و انتهای دهه ۱۳۴۰ شمسی آغاز به کار کرده، به دلیل بهره‌گیری از تکنولوژی‌های روز، تنها در کمتر از سه دهه، با برندهایی مانند کیا، هیوندای (Hyundai) و به‌تازگی جنسیس (Gen-esis) ششمین تولیدکننده بزرگ و معتبر صنعت خودروسازی جهان است! در کنار کشمکش طرح واردات خودرو بین مجلس و شورای نگهبان، اخیرا دولت در پی اجرائی‌کردن طرح نوین سهمیه‌بندی بنزین است؛ یعنی به‌جای اصلاح فرایند معیوب، در پی ایجاد فرایندی جدید هستیم و این همان داستان همیشگی است. در این طرح، دولت قرار است به هر ایرانی سهمیه‌ای ماهانه و معادل ۱۵ لیتر عرضه کند. این طرح در حال حاضر در دستور کار دولت به‌صورت ضمنی قرار گرفته است. مهم‌ترین استدلال این طرح آن است که اگر قرار باشد بنزین یارانه‌ای توزیع شود، فقط به دارندگان خودرو تعلق نگیرد و همگان باید بر سر این سفره متنعم باشند. حال سؤال این است که مگر به دارندگان خودرو یارانه بنزین داده می‌شود؟ در این نوشتار قصد داریم به این پرسش پاسخ دهیم. تئوری قیمت در علم اقتصاد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

کمک به تراکتورسازی یا زنوزی؟

احسان هوشمند

تیم تراکتورسازی تبریز یکی از تیم‌های مطرح فوتبال کشور در ۵۱ سال گذشته محسوب می‌شود که سهمی در کشف استعدادهای فوتبالی و افزایش توان فوتبال کشور ایفا کرده است. این تیم از سال ۱۳۵۴ به جام تخت جمشید صعود کرد. در دوره‌های بعدی مسابقات جام تخت جمشید و جام حذفی هم حضور داشت. پس از انقلاب نیز این تیم همچنان به فعالیت خود ادامه داد. از پیش از انقلاب تا سال ۱۳۸۸ مالکیت این تیم با شرکت تراکتورسازی ایران بود. در سال ۱۳۸۸ مالکیت تیم به سپاه عاشورای آذربایجان شرقی منتقل و از سال ۱۳۹۷ این تیم به مالکیت محمدرضا زنوزی‌مطلق درآمده است. پیش از آن درباره فعالیت‌های اقتصادی زنوزی مسائلی از زبان برخی ازجمله یکی از مقامات ارشد قضائی کشور مطرح شده بود. در ماه‌های گذشته موضوع انتقال مالکیت باشگاه تراکتورسازی تبریز به شرکت مس ایران رسانه‌ای شد. پیش از آن موضوع بدهی‌های حدود ۴۰۰ میلیاردی تراکتورسازی و برخی حاشیه‌های آن موجب شده بود برخی تحلیلگران ورزشی و اجتماعی خواهان بررسی و تحقیق‌وتفحص نهادهای قانونی درباره تخلف‌های احتمالی این باشگاه از سال ۱۳۸۸ باشند؛ درخواستی که تاکنون به نتیجه نرسیده است.

ادامه در صفحه ۲